

Biannual Journal of Applied
Counseling
2015, 5 (1), 95-110
Received: 14 March 2015
Accepted: 19 Jan 2016

دو فصلنامه مشاوره کاربردی
۹۵-۱۱۱، ۵ (۱)، ۱۳۹۴
دریافت: ۹۳/۱۲/۲۳
پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۹

بررسی رابطه‌ی دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی
با کیفیت زناشویی

The relationship between attachment to God, sanctification of marriage
and spiritual intimacy with marital quality

Abbas Amanuelahi عباس امان‌الهی*
Mahboobeh Izadipanah محبوبه ایزدی پناه**
Mansour Sodani منصور سودانی***

Abstract

Issues of marriage are continuously investigated by researchers in order to create and improve the quality of marriage. Marital quality is one important marriage variable which predicts durability of marriage. This study aimed to investigate the relationship between attachment styles to God, sanctification of marriage and spiritual intimacy with marital quality in married women among Shahid Chamran University of Ahvaz students. The sample included 192 subjects selected by voluntary sampling method. The participants completed four questionnaires Attachment to God Inventory (AGI), Sacred Marriage Inventory, Spiritual Intimacy Inventory, and Quality of Marriage Index. The data were analyzed using Pearson correlation coefficients, and multiple regression method. The results showed that attachment styles to God indicated negative correlation with quality of marriage. The sanctification of marriage and spiritual intimacy indicated positive relationship with quality of marriage. The result of multiple regression showed multiple correlation coefficients between predictive and criterion variables and this variables predicted 32% of quality of marriage variance. It is concluded that insecure attachment to God, sanctification of marriage and spiritual intimacy may affect marital quality.

Keywords: attachment styles to God, sanctification of marriage, spiritual intimacy, marital quality

چکیده

مسائل مربوط به ازدواج مدام توسط محققان به منظور ایجاد و بهبود کیفیت آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. کیفیت زناشویی یکی از متغیرهای مهم ازدواج است و دوام آن را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه شهیدچمران اهواز انجام شد. ۱۹۲ دانشجوی زن متأهل به روش نمونه‌گیری داوطلب انتخاب شدند، و پرسشنامه‌های دلبستگی به خدا، مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت معنوی و شاخص کیفیت زناشویی را تکمیل نمودند. روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با استفاده از نرم افزار SPSS-۲۱ تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی به خدا با کیفیت زناشویی رابطه منفی و بین مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی با کیفیت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت، دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی به خدا پیش‌بین‌های معنادار کیفیت زناشویی هستند (۳۲٪ واریانس). بر این اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که دلبستگی ناایمن به خداوند، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی می‌توانند بر کیفیت زناشویی تأثیرگذار باشند.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به خدا، اضطرابی، اجتنابی، مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت معنوی، کیفیت زناشویی

* عضو هیات علمی گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول) a.amanelahi@scu.ac.ir

** کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

*** عضو هیات علمی گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

کیفیت زناشویی^۱ دوام یک ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. اصطلاحات مختلفی برای توضیح کیفیت زناشویی مانند موفقیت زناشویی^۲ (میلر، کاجلین و هوستون، ۲۰۰۳؛ کاکینن، ۲۰۰۴؛ پاپ، کامینگ و اسچرمرهورن، ۲۰۰۴)، شادکامی زناشویی^۳ (توینج، کمپیل و فوستر، ۲۰۰۳)، و متغیرهای دیگر زناشویی (راکلین، آرون، مک‌کلی، ریان، سیوزو، ماری-آنی و اسکارینگی، ۲۰۰۸؛ مینوتیا، پدرسونا و مانون، ۲۰۱۰) استفاده می‌شود، و به عناصر اصلی یک رابطه‌ی زناشویی از جمله رضایت، شادی و ثبات اشاره دارد. انسان همیشه به کیفیت مطلوب در زندگی خود تمایل دارد. ارزش‌ها و ارزیابی‌ها در طول زمان و در واکنش به رویدادها و تجارب زندگی تغییر می‌کنند. یک زندگی با کیفیت به وسیله شادی، رضایت، لذت و توانایی غلبه بر مشکلات پدیدار می‌شود (هارنکوویست، ۱۹۸۲). لوئیس و اسپانیر^۴ (۱۹۷۶)، به نقل از هارپر، شالی و ساندبرگ، ۲۰۰۰) کیفیت زندگی زناشویی را به عنوان موفقیت و عملکرد یک ازدواج توصیف می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل متعددی در کیفیت زناشویی تأثیر دارد از جمله عقاید مذهبی (اعرافی، ۱۳۸۵)، تعهد مادام‌العمر (لیندسی، الیوت، هویی، ۲۰۰۷)، سبک‌های دلبستگی (بازن، ۲۰۰۴) و صمیمیت معنوی^۵ و مقدس دانستن ازدواج^۶ (کاسنر، ۲۰۱۰). یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی به خدا^۷ است. ویس (۱۹۸۲) معتقد است که نظریه دلبستگی یک تحول همیشگی و دائمی است و اگرچه رفتار دلبستگی در دوران کودکی واضح‌تر و روشن‌تر است اما در چرخه زندگی به خصوص در مواقع اضطراری دیده می‌شود. هزن و شیور (۱۹۸۷) نظریه دلبستگی را به روابط عاشقانه بزرگسالان گسترش دادند و دریافتند که تفاوت‌های فردی سبک‌های "دلبستگی بزرگسالان" مشابه تفاوت‌های دلبستگی دوران کودکی است. چندی بعد کرک‌پاتریک و شیور (۱۹۹۰) اظهار نمودند همانند روابط عاشقانه، بسیاری از جنبه‌های عقاید و تجربه‌های مذهبی، ممکن است به‌طور مؤثری ناشی از ادراک نظریه دلبستگی باشد. تحقیقات نشان داده است که برداشت اصلی اکثر افراد از دین، داشتن رابطه‌ای نزدیک با خداوند است، نه صرفاً مجموعه‌ای از باورها و اعمال (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۹). علاوه بر این، تأکید بر مجاورت هر فرد با خداوند، همچنین ارجاعات مکرر به عشق بین انسان و خداوند، در غالب ادیان توحیدی وجود دارد. البته کرک‌پاتریک و شیور (۱۹۹۲) تفاوت‌های بین "دلبستگی به خدا" و "دلبستگی بزرگسال" را نیز توضیح داده‌اند. آن‌ها معتقدند رابطه بزرگسال با چهره دلبستگی یک رابطه دوطرفه است و هر یک نقش چهره دلبستگی را برای یکدیگر دارند، اما "خدا" به عنوان چهره دلبستگی مطلق، همواره ویژگی‌های "قادر و "دانا" را دارد. همچنین خداوند «فراگیر» است و همیشه در دسترس

1. marital quality
2. marital success
3. marital happiness
4. Loeis & Spainer
5. spiritual intimacy
6. sanctification of marriage
7. attachment styles to God

و پاسخ‌گو است، اما چهره دلبستگی انسانی، این‌گونه نیست.

همچنین آینسورث، بلنر، واترز و وال (۱۹۷۸) چهار ملاک برای تکیه‌گاه دلبستگی را مطرح کرده‌اند که از این میان دو ملاک برای خداوند صدق می‌کند. یک، خدا به‌عنوان منبع و مبنای امنیت برای افراد هنگامی که دچار استرس و آشفتگی روانی هستند و دو، خدا به‌عنوان منبع حمایت‌کننده و مطمئن برای کشف و جستجو در محیط اطراف. آن‌ها معتقدند خدا از یک سو سبب شکل‌گیری رفتارهای دلبستگی مآبانه، مانند در جستجوی دیگران برآمدن و نزدیک شدن به دیگران و از سوی دیگر سبب برانگیخته شدن واکنش‌های خصمانه همانند غم و اندوه می‌شود. بنابراین می‌توان خداوند را به‌عنوان تکیه‌گاه دلبستگی به‌حساب آورد و پذیرفت، زیرا همان ویژگی‌هایی را که سایر تکیه‌گاه‌های دلبستگی دارند، او نیز دارد. بر این اساس به نظر می‌رسد از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان خدا را به‌عنوان موضوع دلبستگی در نظر گرفت که به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد (کرک‌پاتریک، ۱۹۹۹؛ روات و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۲) و سبب می‌شود بتواند موقعیت‌های غیر قابل مهار را در اختیار خود درآورد (فونتولاکس، سامولی، مگینا و کاپرینیس، ۲۰۰۸).

عامل مهم دیگر که بر کیفیت زناشویی تأثیر دارد، عقاید و باورهای مذهبی افراد است (حسینی‌نسب، هاشمی نصرت آباد و فتوحی بناب، ۱۳۸۸). الیسن (۱۹۹۴) و آدلر و کامل^۱ (۱۹۹۵)، به نقل از حسینی‌نسب و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که مذهب به معنای وسیع کلمه می‌تواند آثار بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند و اعتقادات معنوی یک موضوع جالب برای مبارزه با مشکلات باشد. مذهب یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار و شناخت به‌شمار می‌رود. هر دو جنبه‌ی مذهب، یعنی، پرداختن به فعالیت‌های مثبت و دوری کردن از فعالیت‌های منفی باعث پدید آمدن احساس ارزش مثبت در پیروان دین می‌شود (شامن^۲، ۲۰۰۶، به نقل از هادیانفرد، ۱۳۸۴). از دیگر عوامل مؤثر در زندگی زناشویی که از مؤلفه‌های مذهبی و اعتقادی نیز به‌شمار می‌رود مقدس دانستن ازدواج می‌باشد. از آن‌جا که ازدواج در مقایسه با سایر روابط انسانی، بهترین فرصت برای تجربه خوشبختی، حمایت و صمیمیت است، افراد را به‌گونه‌ای به هم پیوند می‌دهد که روابط دیگر میسر نیست. صمیمیت در ازدواج با ارزش است، زیرا تعهد زوج‌ها به ثبات، ارتباط را محکم و به‌طور مثبتی با سازگاری و رضایت زناشویی همراه است (هلر و وود، ۱۹۹۸). صمیمیت میزان نزدیکی و حمایتی است که ریشه‌های درونی داشته و از نیاز اساسی انسان به دلبستگی نشأت می‌گیرد. نیاز به صمیمیت می‌تواند از نظر رشد بسیار پخته‌تر و تمایز یافته‌تر باشد و ظهور و بروز پیشرفت نیاز برای برقراری پیوند با انسان‌های دیگر برای هر فردی متفاوت است. (باگاروزی^۳، ۱۹۴۲، ترجمه: پورنقاش، تهرانی و رضازاده، ۱۳۸۴). صمیمیت حدودی را که زوج‌ها اطلاعات سرشار از هیجان و بسیار حساس خود را با هم در میان می‌گذارند مشخص می‌کند. و اینکه در یک فضای حمایت‌گرانه و غیرقضاوتی به یکدیگر پاسخ دهند (کورادوا، ۲۰۱۰). صمیمیت معنوی این حس را در درون انسان به‌وجود می‌آورد که

1. Ellison, Adler, & Camel
2. Schumann
3. Bagarozzi

آن‌ها یک شریک روحی پیدا کرده‌اند که می‌توانند عمیق‌ترین آرمان‌ها و آرزوها و تردیدهای خود را با وی در میان بگذارند (کاسنر، ماهونی، پارگامنت و دی‌ماریس (۲۰۱۴)).

هرچند مطالعات گذشته تأثیر مذهب بر روی ازدواج را تأیید کرده‌اند اما اینکه این تأثیر چگونه صورت می‌گیرد روشن نیست یکی از پیشرفت‌های کلیدی در این زمینه توسعه چارچوب نظری مقدس دانستن ازدواج است (الیسون، هندرسون، گلن و هارکریدر، ۲۰۱۱). مفهوم تقدس به فرآیندی اشاره دارد که فرد به وسیله‌ی آن جنبه‌ای از زندگی همچون داشتن معنا یا منش الهی را درک می‌کند (کاسنر، ۲۰۱۰). سازه قداست ازدواج در قلمرو تحقیقات در مورد مذهب و ازدواج نسبتاً جدید است. مقدس دانستن ازدواج فرایندی است که همسر و یا رابطه زناشویی دارنده ویژگی‌های الهی یا مقدس ادراک می‌شوند (الیسون و همکاران، ۲۰۱۱) به خصوص اعتقاد به اینکه خداوند در ازدواج نقش داشته و همسران تمایل دارند که جنبه‌های مقدس را به ازدواج و رابطه خود نسبت می‌دهند (لچتر و کارمالت، ۲۰۰۹؛ ماهونی، پارگامنت و هرناندز، ۲۰۱۰). این متغیر به‌طور قوی کیفیت زناشویی و تعهد رابطه را پیش‌بینی می‌کند و همچنین باعث کاهش تأثیر عوامل فشارزا بر روابط زناشویی می‌شود (الیسون و همکاران، ۲۰۱۱). ماهونی، پارگامنت و موری (۲۰۰۳) معتقدند که قداست ممکن است یک سازه عمده و اصلی برای تبیین روابط قبلاً کشف شده بین شاخص‌های جهانی گرایش مذهبی و کارکرد خانواده به شمار آید. تقدس به عنوان یک سازه روان‌دینی یا روان‌معنوی، مفهوم سازی می‌شود و به عنوان یک فرآیند روان‌شناختی که از طریق آن جنبه‌های زندگی از جانب مردم به عنوان داشتن یا معنای مفهومی استنباط می‌شود، تعریف می‌گردد ماهونی و همکاران (۲۰۰۳) این امر مطرح شده که تقدس، می‌تواند به دو شکل روی دهد. بر حسب تقدس ازدواج، شخص می‌تواند ازدواجشان را از طریق لنز مقدس بنگرد و به موجب آن کیفیت‌های مقدس را به ازدواجشان نسبت دهد. (تقدس غیرخداپرستانه) و یا شخص ممکن است ازدواجشان را به صورت مظه‌ری از خواست خدا بنگرد (یعنی، تقدس خداپرستانه) ماهونی و پارگامنت (۲۰۰۵). استافورد، دیوید و مک‌پیرسون (۲۰۱۴) مشاهده کردند که مقدس دانستن ازدواج، رضایت زناشویی، بخشش و فعالیت‌های مذهبی مشترک همسران را پیش‌بینی می‌کند. گودمن و لایتون (۲۰۱۴) نشان دادند افرادی که ازدواج خود را مقدس می‌دانند رابطه طولانی مدت‌تری دارند و ازدواج آن‌ها یک رابطه بی‌هم‌تاست و خداوند در زندگی آنها نقش دارد. همچنین، ماهونی (۲۰۰۱)، به نقل از پادگت، (۲۰۱۰) نشان داد اندازه دینداری شخصی در بین زوج‌ها با سطح رضایت‌مندی آن‌ها ارتباط مستقیم و قابل توجهی دارد. با توجه به اهمیت و نقش دلبستگی به خداوند در زوجین و نیز نقش صمیمیت معنوی و مقدس دانستن ازدواج در رضایت زناشویی، این پژوهش به دنبال این سوال بود که آیا سبک‌های دلبستگی به خدا (اضطرابی و اجتنابی)، مقدس دانستن ازدواج و صمیمیت معنوی پیش‌بین‌های کیفیت زناشویی هستند؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه‌ی این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متاهل دانشگاه شهید چمران اهواز در سال

تحصیلی ۹۳-۹۲ بود، که از این جامعه ۱۹۲ دانشجوی زن متاهل به روش نمونه‌گیری داوطلب از میان دانشجویان دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی، اقتصاد و علوم اجتماعی، الهیات و معارف اسلامی، فنی و مهندسی، ادبیات و علوم انسانی، علوم ریاضی و کامپیوتر، کشاورزی و علوم آب انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه دلبستگی به خدا (AGI^۱). پرسشنامه دلبستگی به خدا یک پرسشنامه ۲۸ ماده‌ای بر اساس مقیاس تجربه رابطه نزدیک ECR^۲، برنان، کلارک و شیور (۱۹۹۸) تدوین شده و ابعاد تعلق خاطر به خدا در مورد دل‌کندن و پرهیز از صمیمیت در رابطه با خدا را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه شامل خرده مقیاس‌های اضطرابی (۱۴ ماده) و جدایی (۱۴ ماده) می‌باشد، که ماده‌ها در یک طیف لیکرت ۷ رتبه‌ای از کاملاً مخالفم (=۰) تا کاملاً موافقم (=۶) نمره‌گذاری می‌شود. نمونه گویه‌های دلبستگی اضطرابی عبارتند از: "اغلب از این که آیا خدا از من راضی است یا نه نگران هستم" و "می‌ترسم زمانی که اشتباه می‌کنم خدا مرا نپذیرد". نمونه ماده‌های دلبستگی جدایی عبارتند از: "ترجیح می‌دهم رابطه‌ی خیلی عمیقی با خدا نداشته باشم" و "من نیاز عمیقی برای نزدیکی به خدا احساس نمی‌کنم".

دو بعد AGI می‌تواند به دو قسمت در چهار سبک دلبستگی، ایمن (اضطراب پایین-جدایی پایین)، نایمن-دوسوگرا (اضطراب بالا-جدایی پایین)، نایمن-اجتناب‌گر (اضطراب پایین-جدایی بالا) و نایمن-آشفته (اضطراب بالا-جدایی بالا) تقسیم شود (بک، ۲۰۰۶). ماده‌های این پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۷ رتبه‌ای (۱= شدیداً مخالف، ۴= بی‌نظر، ... تا ۷= شدیداً موافق) مرتب شده‌اند. بک و مک دونالد (۲۰۰۴) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۵ برای خرده مقیاس اضطراب و ۰/۸۸ برای خرده مقیاس جدایی؛ پالوتزبان و الیسون (۱۹۸۲) همبستگی‌های منفی معناداری بین خرده مقیاس‌های پرسشنامه دلبستگی به خدا (اضطراب و جدایی) و مقیاس بهزیستی مذهبی^۳ و علیایی، سامانی و فانی (۱۳۹۰) همبستگی‌های منفی معنادار با مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت^۴ گزارش داده‌اند. در این پژوهش، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای سبک دلبستگی اضطرابی به خدا ۰/۸۴ و برای سبک دلبستگی اجتنابی به خدا ۰/۸۵ به دست آمد.

مقیاس مقدس دانستن ازدواج^۵. این مقیاس به وسیله ماهونی و همکاران (۱۹۹۹) برای سنجش برداشت‌های خداپرستانه و غیرخداپرستانه، درباره ازدواج، ساخته شده، که شامل ۲۰ ماده و دو خرده مقیاس حضور خداوند و تقدس ازدواج است. خرده مقیاس‌های حضور خداوند شامل ۱۰ ماده، به منظور تعیین مقدار ادراک تجربه حضور خداوند در ازدواج و تقدس ازدواج نیز شامل ۱۰ ماده برای

1. Attachment to God Inventory
2. Experiences in Close Relationships (ECR)
3. Religious Well-being Scale
4. Coopersmith Self Esteem Scale
5. Marital Sanctifying Scale

اندازه‌گیری ویژگی‌های مقدس ازدواج طراحی شده اند. ماده‌های این مقیاس در یک طیف لیکرت ۷ رتبه‌ای از به شدت مخالف = ۱ تا به شدت موافق = ۷ مرتب شده‌اند، که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده برداشت‌های بیشتری از تقدس ازدواج است. ماهونی و همکاران (۱۹۹۹) ضرایب آلفای کرونباخ دو خرده مقیاس این ابزار را به ترتیب ۰/۹۷ و ۰/۸۷ گزارش کردند. در این پژوهش، ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس در کل ۰/۹۲ و در خرده مقیاس‌های حضور خداوند ۰/۹۰ و تقدس ازدواج ۰/۹۱ به دست آمده‌اند.

مقیاس صمیمیت معنوی^۱. مقیاس صمیمیت معنوی یک ابزار ۸ ماده‌ای است که توسط ماهونی، پارگامنت و دیماریس (۲۰۰۹) برای بررسی درجه‌ی خودافشایی در مورد مسائل معنوی (برای مثال، نیازهای معنوی، سوال‌ها و کشمکش‌ها) ساخته شد. به عنوان مثال، "من می‌توانم درباره ایمانم با همسرم کاملاً صادق و روراست باشم" و "زمانی که سوال‌ها یا کشمکش‌های معنوی‌ام را مطرح می‌کنم، همسرم از من حمایت می‌کند". ماده‌های این مقیاس روی یک طیف چهار درجه‌ای از هرگز = ۰ تا بسیار زیاد = ۳ نمره‌گذاری می‌شوند، نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده ادراک صمیمیت معنوی بیشتر همسر می‌باشد. ماهونی و همکاران (۲۰۰۹) ضرایب پایایی آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۹۷ برای زنان و ۰/۹۸ برای مردان و پادگت (۲۰۱۰) ۰/۷۹ گزارش کردند. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ ۰/۷۷ به دست آمد.

شاخص کیفیت زناشویی (QMI^۲). شاخص کیفیت زناشویی توسط نورتون (۱۹۸۳)، به نقل از حسینی، (۱۳۹۱) ساخته شده است. این شاخص یک ابزار ۶ سوالی است که کیفیت زناشویی را با به‌کارگیری عبارتهای کلی (ما یک ازدواج خوب داریم) می‌سنجد، و شرکت‌کننده درجه موافقت خود را در یک مقیاس لیکرت از دامنه‌ای ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق) نشان می‌دهد. حداقل نمره در این شاخص ۶ و حداکثر نمره ۴۲ می‌باشد. در سوال ششم که یک سوال کلی است آزمودنی درجه‌ی موافقت خود را در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۱۰ (کاملاً موافق) ابراز می‌کند. فینچام و همکاران (۲۰۰۴) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این شاخص ۰/۹۶ برای هر دو گروه زنان و مردان گزارش کرده‌اند. حسینی (۱۳۹۱) همبستگی این شاخص را با پرسش‌نامه رضایت زناشویی محرابیان (۲۰۰۵)، برگرفته از رجیبی، (۱۳۸۸) را ۰/۸۸ گزارش کرد. در این پژوهش، ضریب پایایی آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۹۲ به دست آمد.

روند اجرای پژوهش

با توجه به اینکه نمونه این پژوهش شامل دانشجویان زن متأهل بود؛ لذا پس از تهیه

-
1. Spiritual Intimacy Scale
 2. Marital Quality Index

ابزارهای پژوهش به دانشکده‌های مربوطه مراجعه گردید، و بر اساس اهداف پژوهش و شرایط شرکت آزمودنی‌ها از آنها تقاضا گردیدید در صورت تمایل به تکمیل پرسشنامه‌های بررسی حاضر اقدام نمایند. همچنین جهت رعایت اصول اخلاق پژوهش و برای جلب اعتماد آزمودنی‌ها، به آنها اعلام گردید که اظهارات شان کاملاً محرمانه خواهند ماند و تنها توسط پژوهشگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای پاسخگویی به سوال تحقیق از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده گردید. همچنین داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS-۲۱ تحلیل شد.

یافته‌ها

میانگین سن، سن ازدواج و سن همسر افراد نمونه به ترتیب ۲۴/۲۸، ۲۱/۷۶ و ۲۸/۰۷ بود. آماره‌های ضرایب تحمل و عامل تورم واریانس برای متغیرهای سبک‌های دلبستگی اضطرابی ۰/۶۷ و ۱/۴۹، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۵۳ و ۱/۸۸، مقدس بودن ازدواج ۱/۸۱ و ۱/۲۳ و صمیمیت معنوی ۰/۸۴ و ۱/۱۸ به دست آمده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مقادیر ضرایب تحمل برای متغیرهای ذکر شده بالاتر از مقدار ۰/۱۰ هستند و مقادیر عامل‌های تورم واریانس متغیرهای پیش بین کوچکتر از مقدار ۱۰ هستند و این مقادیر نشان می‌دهند که بین متغیرهای پیش بین هم خطی بودن چندگانه وجود ندارد (کلاین، ۲۰۱۰، به نقل از مروتی، ۱۳۹۱).

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک (N=۱۹۲)			
متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کیفیت زناشویی
کیفیت زناشویی	۳۱/۵۶	۴/۰۹	-
سبک دلبستگی اضطرابی به خدا	۶۵/۵۹	۱۴/۳۰	- ۰/۱۷
سبک دلبستگی اجتنابی به خدا	۴۴/۲۶	۱۳/۸۳	- ۰/۲۶
مقدس دانستن ازدواج	۸۸/۶۷	۱۰/۸۳	- ۰/۴۳
صمیمیت معنوی	۱۷/۴۳	۴/۶۰	- ۰/۲۶

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بین دلبستگی اجتنابی به خدا و کیفیت زناشویی ۰/۲۶ - و بین دلبستگی اضطرابی به خدا و کیفیت زناشویی ۰/۱۷ - به صورت منفی و بین تقدس و کیفیت

زناشویی ۰/۴۰، بین حضور خدا و کیفیت زناشویی ۰/۳۶، بین مقدس دانستن ازدواج و کیفیت زناشویی ۰/۴۳ و بین صمیمیت معنوی و کیفیت زناشویی ۰/۲۹ به صورت مثبت همبستگی وجود دارد ($p < ۰/۰۰۱$).

جدول ۲

نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری به روش گام به گام برای پیش‌بینی کیفیت زناشویی

شاخص‌ها متغیر پیش‌بین	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	F	ضرایب رگرسیون			
				۱	۲	۳	۴
مقدس دانستن ازدواج	۰/۴۳	۰/۱۸	۴۳/۰۲ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۴۳$ $t = ۶/۵۶$ $P < ۰/۰۰۱$			
صمیمیت معنوی	۰/۴۹	۰/۲۴	۳۰/۰۴ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۴۲$ $t = ۶/۶۰$ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۲۴$ $t = ۳/۷۶$ $P < ۰/۰۰۱$		
دلبستگی اجتنابی به خدا	۰/۵۵	۰/۳۰	۲۷/۱۴ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۲$ $t = ۴/۹۴$ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۴$ $t = ۵/۱۸$ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = -۰/۲۸$ $t = -۴/۰۵$ $P < ۰/۰۰۱$	
دلبستگی اضطرابی به خدا	۰/۵۶	۰/۳۱	۲۱/۷۰ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۶$ $t = ۵/۳۲$ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۳۴$ $t = ۵/۱۷$ $P < ۰/۰۰۱$	$\beta = -۰/۱۹$ $t = -۲/۳۱$ $P < ۰/۰۲۲$	$\beta = -۰/۱۵$ $t = -۲/۰۱$ $P < ۰/۰۴۵$

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای پیش بین مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت معنوی و دلبستگی‌های اجتنابی و اضطرابی به خدا پیش‌بین‌های معناداری برای متغیر ملاک کیفیت زناشویی می‌باشند. مقادیر R (همبستگی چندمتغیری) و R^2 (مجذور همبستگی چندمتغیری) به ترتیب ۰/۵۶ و ۰/۳۱ به دست آمده‌اند، یعنی، ۳۱٪ واریانس متغیر ملاک (کیفیت زناشویی) توسط چهار متغیر پیش‌بین بالا قابل تبیین است. از میان این چهار متغیر پیش بین متغیرهای مقدس دانستن ازدواج ($\beta = ۰/۳۶$) و صمیمیت معنوی ($\beta = ۰/۳۴$) به صورت مثبت بیشترین سهم را در پیش‌بینی کیفیت زناشویی دارند. همچنین کمترین سهم در پیش‌بینی متغیر ملاک متغیر پیش بین دلبستگی اضطرابی به خدا به صورت منفی بر عهده دارد ($\beta = -۰/۱۵۶$).

بحث

نتایج پژوهش نشان داد که مقدس دانستن ازدواج، صمیمیت معنوی و سبک‌های دلبستگی به خدا کیفیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. اولین متغیر مقدس دانستن ازدواج بود که حدود

۱۹ درصد از واریانس کیفیت زناشویی را پیش‌بینی کرد. این یافته با پژوهش‌های استافورد و همکاران (۲۰۱۴)، گودمن و لایتون (۲۰۱۳)، الیسون و همکاران (۲۰۱۱)، ماهونی و همکاران (۲۰۱۰)، براسفورد و ماهونی (۲۰۰۸)، به نقل از پادگت و امیلی، (۲۰۱۰)، پارگامنت و ماهونی (۲۰۰۲)، به نقل از هادیانفرد (۱۳۸۴) و هادیانفرد (۱۳۸۴) که بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی مثبت مذهب با احساس رضایت و سازگاری زناشویی است، همسو می‌باشد. کاسنر (۲۰۱۰) مقدس دانستن ازدواج را اینگونه تعریف می‌کند: مفهوم تقدیس به فرایندی اشاره دارد که فرد به وسیله‌ی آن جنبه‌ای از زندگی همچون داشتن معناداری یا منش الهی را درک می‌کند ماهونی و همکاران (۲۰۱۴)، به نقل از کاسنر، (۲۰۱۰) معتقدند قداست ممکن است یک سازه‌ی عمده و اصلی برای تبیین روابط قبلاً کشف شده بین شاخص‌های جهانی گرایش مذهبی و کارکرد خانواده به شمار آید. تقدس به عنوان یک سازه‌ی روان‌دینی یا روان‌معنوی مفهوم‌سازی است و به عنوان یک فرایند روان‌شناختی که از طریق آن جنبه‌های زندگی از جانب مردم به عنوان داشتن معنای معنوی استنباط می‌شود، تعریف می‌گردد. همسرانی که ازدواج خود را به صورت مقدس ادراک می‌کنند و خدا را در رابطه خود حاضر می‌بینند تمایل دارند که بیشتر احساس‌های مثبت را نسبت به همسر خود گزارش کنند و احساس‌های منفی کمتری را ابراز نمایند و در تعامل‌های مثبت بیشتری مشارکت نمایند مانند مهربانی، توجه، بیان احساس‌ها و مبادله محبت، و از بازخوردهای انتقادی و تقاضاهای غیرمنطقی دوری کنند (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۶). ماهونی و همکاران (۱۹۹۹)، به نقل از کاسنر، (۲۰۱۰) در بررسی رابطه بین ادراکات قداست ازدواج و کیفیت زناشویی مشاهده کردند که ادراکات بیشتر از قداست ازدواج با رضایت بیشتر و کاهش تعارض همسو می‌باشد. از این مطالعه چندین یافته می‌توان به دست آورد. یک، نتایج نشان داد که به طور مستقیم هم شوهران و هم زنان با این نظریه که ازدواجشان مظهری از خداوند است و این که کیفیت‌های مقدس و ازدواجشان را توصیف می‌کند، موافق بودند. دو، گزارش‌ها در مورد نسبت دادن کیفیت مقدس به ازدواج و نگریستن خداوند به عنوان بخشی از ازدواج با سازگاری زناشویی بیشتر همبستگی دارد (کاسنر، ۲۰۱۰). همچنین مقدس دانستن ازدواج با اجتناب از روش‌های حل تعارض غیرسازنده رابطه دارد، و همسرانی که ازدواج خود را مقدس می‌دانند در روش‌های مشترک حل مسئله مشارکت می‌کنند (الیسون و همکاران، ۲۰۱۱). گودمن و دولاهیت (۲۰۰۶)، به نقل از کاسنر (۲۰۱۰) بیان کردند زوج‌هایی که ازدواج خود را مقدس می‌دانند، اول اینکه به ازدواج خود به صورت پایدارتر نگاه می‌کنند و در مواجهه با چالش‌ها، تعارض‌ها را حل می‌نمایند. دوم اینکه زوج‌ها این احساس را دارند که نقش خداوند با رشد و انگیزش ارتباط دارد و سرانجام اینکه به خاطر وجود و نقش خداوند در ازدواج خود احساس آرامش و خوشبختی می‌کنند. همچنین کاسنر و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که مقدس دانستن ازدواج توسط همسران تعاملات مثبت بیشتر را بین آن‌ها افزایش می‌دهد. این تبیین وجود دارد که درک هر چه بیشتر مقدس دانستن ازدواج باعث می‌شود که فرد احساس کند در ازدواج خود به منبعی بزرگتر از خود متصل می‌باشد، زمان بودن در کنار همسر، احساس جاودان بودن نماید، خواست، حضور و هدایت خداوند را در ازدواج خود احساس و تجربه نماید، که همه‌ی موارد فوق با ایجاد یک حس مثبت در زوجین

می‌تواند به بالا بردن سطح کیفیت زناشویی در زندگی منجر شود. از دیدگاه اسلام موضوع ازدواج با توجه به احادیث و روایات و آیات قرآن، از جمله فرمایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که می‌فرمایند: در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خدای عزوجل محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد (علامه مجلسی، ۱۰۶۳ هجری قمری)، می‌توان گفت که زوجی که از نظر ایمانی قوی‌تر باشد ازدواج خود را از دیدگاهی مقدس می‌نگرد. این مسائل باعث می‌گردد که مقدس دانستن ازدواج با کیفیت زناشویی رابطه مثبت داشته باشد.

صمیمیت معنوی دومین متغیر پیش‌بین معنادار برای کیفیت زناشویی بود. رابطه مثبت بین صمیمیت معنوی و کیفیت زناشویی به این معناست که هر چه صمیمیت معنوی بین زوجین بیشتر باشد در نتیجه کیفیت زناشویی آن‌ها بالاتر خواهد بود. این نتایج با پژوهش‌های کاسنر (۲۰۱۰) کاسنر و همکاران (۲۰۱۴) و پادگت (۲۰۱۰) همخوانی دارد. بر اساس تعریف، صمیمیت معنوی عبارت است از نیاز فرد به در میان گذاشتن مسائل معنوی با همسرش. این مسائل شامل افکار، باورها و تجارب فرد در ارتباط با مذهب، ماورای طبیعت و وجود معنوی باورها و ارزش‌های اخلاقی، معنای زندگی، زندگی پس از مرگ، رابطه‌ی فرد با خدا یا قدرت برتر، رابطه‌ی فرد با طبیعت و جایگاه خود در جهان هستی می‌شود. مذهب و معنویت موضوع‌های ویژه‌ای را به وجود می‌آورند که نیاز به مهارت‌های صمیمانه دارد. در میان گذاشتن هویت معنوی یک شخص شامل افشای عمیق‌ترین علایق اوست که گاهی از ترس طرد شدن آن‌ها را با دیگران در میان نمی‌گذارند. صمیمیت معنوی این حس را در فرد ایجاد می‌کند که او می‌تواند آرمان‌ها و آرزوهای خود را با همسر در میان بگذارد. داشتن صمیمیت معنوی می‌تواند سرمایه‌گذاری افراد را در رابطه افزایش دهد و آن‌ها را برای محافظت از ازدواج خود در زمان‌های پراسترس محافظت می‌کند (کاسنر و همکاران، ۲۰۱۴؛ باگازوری، ۱۹۴۲، ترجمه: پورنقاش تهرانی و رضازاده، ۱۳۸۴). در تبیین این یافته با توجه به اینکه صمیمیت معنوی می‌تواند به زوجها برای درک ساختارهای زناشویی هنگامی که آن‌ها در حال تلاش برای حفظ پیوندشان، پیدا کردن ارتباط نزدیک‌تر در رابطه‌ی زناشویی خود و مدیریت فشارهای مربوط به عوامل گذار در زمان‌های مهم زندگی خود هستند، کمک کند (پادگت و امیلی، ۲۰۱۰). با این تفاسیر وقتی که میزان صمیمیت معنوی ادراک شده بین زوجین بالا باشد، یعنی، از صفات شخصیتی و عادت‌های شخصی یکدیگر، ایفای مسئولیت‌ها در زندگی، نحوه‌ی ارتباط با یکدیگر، نحوه‌ی تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف‌ها، نحوه‌ی مشارکت در انجام فرائض دینی و احساس‌های معنوی در کنار یکدیگر احساس رضایت دارند که این احساس رضایت منجر به ایجاد روابط مستحکم، پایدار و شادمان در زندگی می‌شود و همین امر می‌تواند باعث ارتقای سطح کیفیت زناشویی گردد. بر این اساس معنویت منابعی را به انسان‌ها ارائه می‌دهد که کارکرد ازدواج انسان‌ها را تسهیل می‌کند (ماهونی و کانو، ۲۰۱۴).

سبک دلبستگی اجتنابی به خداوند متغیر سوم است که در تحلیل رگرسیون به طور معناداری کیفیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های کرولی (۲۰۰۶)، شاکری و همکاران (۲۰۱۰) و

مظاهری (۱۳۷۹) که بیان‌کننده رابطه منفی سبک‌های دلبستگی و اضطرابی با کیفیت زناشویی است، مشابهت دارد. در خصوص تبیین این فرضیه می‌توان به تعاریف موجود در این خصوص اشاره کرد. بر اساس تعریف هزن و شیور (۱۹۷۸)، سبک دلبستگی اجتنابی با احساس ناامنی و ترس از طرد شدن در این سبک، با تکیه به خود و فاصله‌ی عاطفی مشخص می‌شود؛ و نیز با اشاره به نظر کرک پاتریک (۱۹۹۹)، به نقل از اکازی، (۲۰۱۰) بیان می‌کند افراد در زمان گرفتاری یا تهدید، خدا را به عنوان یک پایگاه امن یا سرپناه ایمن جستجو می‌کنند و حس جدایی یا فاصله از خدا اغلب باعث ناامیدی عاطفی و اضطراب می‌گردد؛ می‌توان بیان کرد که جدایی و فاصله از خداوند که نتیجه دلبستگی اجتنابی به خدا (بر اساس تعریف مفهومی) است، باعث ایجاد ناامیدی عاطفی شده که این موضوع می‌تواند در کیفیت زناشویی اثر منفی داشته باشد. در واقع، زمانی که نمره سبک دلبستگی به خداوند از نوع اجتنابی در مورد فردی بالا باشد، طبیعی است که این فرد برای نزدیک شدن به خداوند نه تنها انگیزه ندارد، بلکه اساساً جهت نزدیک شدن به خداوند احساس نیاز هم نمی‌کند و ترجیح می‌دهد رابطه خیلی عمیقی با خداوند نداشته باشد. هم‌چنین فردی با این خصوصیات از این که خداوند بر تمامی جنبه‌های زندگی او کنترل داشته باشد، احساس ناراحتی می‌کند، بنابراین فردی با این خصوصیات نمی‌تواند در مورد زندگی زناشویی خود احساس خوشبختی نماید و درک این فرد از کیفیت زناشویی دچار کاهش می‌شود. بنا بر گفته بک و مک دونالد (۲۰۰۴)، به نقل از اکازی، (۲۰۱۰) در بعضی موارد، دلبستگی نایمن اجتنابی به خدا می‌تواند نهایتاً به تجاهل‌گرایی و ندانم کاری منجر شود که این امر به نوبه‌ی خود می‌تواند بر کیفیت زناشویی اثری منفی داشته باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش سبک دلبستگی اضطرابی به خداوند آخرین متغیری است که در تحلیل رگرسیون به طور معناداری کیفیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های شاکری و همکاران (۲۰۱۰)، مظاهری (۱۳۷۹)، سامر و کوزارلی (۲۰۰۴) و مارکاند (۲۰۰۴) که بیان‌کننده وجود رابطه‌ی منفی بین سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و اضطرابی) با کیفیت زندگی هستند، مشابهت و همسویی دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان به تعریف دلبستگی اضطرابی از نظر هزن و شیور (۱۹۸۷) اشاره کرد که بیان می‌کنند این سبک با وابسته بودن، محتاج بودن و احساس‌های دوسوگرا در درون رابطه مشخص می‌شود. هم‌چنین پری و اسزالاتیز (۲۰۰۶) اشاره می‌کنند اشخاصی که سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا دارند نسبت به خود دیدگاه منفی دارند و خود را مستحق عدم اعتماد به نفس می‌دانند. این افراد با نگرانی دائمی از طرد شدن توسط دیگران زندگی می‌کنند و احتمال بروز اختلال‌هایی مانند اضطراب در این افراد بیشتر است. البته با توجه به اینکه در این پژوهش سبک دلبستگی اضطرابی به خدا مد نظر بود، به نظر می‌رسد که این افراد به شکل دائمی نگران رابطه خود با خداوند هستند در حالی که زندگی خود را کاملاً وابسته به خداوند می‌دانند و تلاش آن‌ها جهت برقراری ارتباط معنوی، صمیمی و عاطفی با خداوند است، و طبیعی است که این افراد همیشه نگران رضایت خداوند از خود بوده و می‌ترسند

که خداوند اشتباه‌های آن‌ها را نپذیرد و مورد بخشش قرار ندهد، بنابراین وجود این نگرانی در طول زندگی به درک بیشتر کیفیت زناشویی آسیب‌زده و باعث کاهش کیفیت زناشویی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که متغیرهای وابسته به مذهب و معنویت نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت زناشویی دارند. دل‌بستگی ایمن به خداوند متعال و پناه بردن به او در مواقع فشار می‌تواند نقش مثبتی در افزایش کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد. همچنین بر اساس تعالیم دین مبین اسلام ازدواج امری مقدس است. نتایج این پژوهش این مسئله را مورد تأیید قرار داد که افرادی که ازدواج را امری مقدس می‌دانند در زندگی زناشویی خود شادکام‌ترند. همچنین همسرانی که صمیمیت معنوی بالاتری دارند و در مورد مسائل معنوی با هم گفتگو می‌کنند و چالش‌ها و امور مذهبی و معنوی خود را با هم در میان می‌گذارند کیفیت زناشویی بیشتری را گزارش می‌دهند. بر این اساس می‌توان به مشاوران پیشنهاد نمود که متغیرهای مذهبی را در کار با زوجها مورد نظر داشته باشند. همچنین معیار تدین و معنویت به عنوان یکی از معیارهای انتخاب همسر ترویج داده شود. نمونه مورد مطالعه شامل دانشجویان داوطلب است که در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آینده نقش متغیرهایی که رابطه بین متغیرهای معنوی را با متغیرهای زناشویی میانجی‌گری یا تعدیل می‌کنند مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- اعرافی، علیرضا (۱۳۸۵). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.
- باگاوزی، دنیس. ای. (۱۹۴۲). بهبود بخشی صمیمیت در ازدواج. ترجمه: محمدرضا رضازاده و سعید پورنقاش تهرانی (۱۳۸۶). تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- حسینی، زهرا (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و افسردگی بر رضایت زناشویی با میانجی‌گری شیوه‌های حل تعارض در زنان کارمند متأهل اداره‌های دولتی شهرستان ماهشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز.
- حسینی نسب، سید داوود؛ هاشمی نصرت آباد، تورج و فتوحی بناب، سکینه (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سازگاری زناشویی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۱۴، ۴۹-۶۲.

شاملو، سعید (۱۳۸۱). بهداشت روانی. چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات رشد.

علامه مجلسی، محمدباقر. (۱۰۶۳ هجری قمری). بحارالانوار، جلد ۱۰۰.

مظاهری، محمدعلی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنشوری ازدواج، مجله‌ی روانشناسی، (۳)، ۲۸۳-۳۱۸.

مروتی، ذکراه. (۱۳۹۱). رابطه‌ی علی محیط یادگیری سازنده‌گرای ادراک‌شده و عملکرد ریاضی با میانجی‌گری جهت‌گیری درونی هدف، ارزش تکلیف، نگرش نسبت به ریاضی و خودکارآمدی ریاضی در دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستانی شهر اهواز. پایان‌نامه‌ی دکتری تخصصی روان‌شناسی تربیتی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

هادیانفرد، حبیب (۱۳۸۴). احساس بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۱(۲)، ۲۳۲-۲۲۴.

Ainsworth, M. D. S., Blenar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation. Lawrence Erlbaum. Psychology press.

Banes, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.

Beck, R., & McDonald, A. (2004). Attachment to God: The attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences. *Journal of Psychology and Theology*, 32(2), 92-103.

Brennan, K. A., Clark, C. L., & Shaver, P. R. (1998). Self-Report Measures of Adult Attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships* (pp. 46-76). New York: Guilford Press.

Cordova, J. V. (2009). *The marriage checkup: A scientific program for sustaining and strengthening marital health*. Plymoth, UK: Rowman & Littleton.

Crowley. A. K. (2006). *The relationship of adult attachment style and interactive conflict styles to marital satisfaction*. Doctoral Thesis. Texas A & M University.

- Ellison, C. G. Henderson, A. K., Glenn, N. D., & Harkrider, K. E. (2011). Sanctification, stress, and marital quality. *Family Relations*, 60, 404 – 420.
- Fountoulakis, K. N., Siamouli, M., Magina, S., & Kaprinis, G. (2008). Late-life depression, religiosity, cerebral vascular disease, cognitive impairment and attitudes toward death in the elderly. Interpreting the data. *Medical Hypotheses*, 70, 493-496.
- Goodman, M. A., Dollahite, D. C., Marks, L. D., & Layton, E. (2013). Religious faith and transformational processes in marriage. *Family Relations*, 62(5), 808–823.
- Harper, J. M., Schaalye, B. G., & Sandberg, J. G. (2000). Daily hassles, intimacy and marital quality in later life marriage. *The American Journal of Family Therapy*, 28, 1-18.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- Heler, P. E., & Wood, B. (1998). The process of intimacy: similarity, understanding and gender. *Journal of Marital and Family Therapy*, 24(3), 273-288.
- Horquist, J. (1982). The concept of quality of life. *Scandinavian Journal of Social Medicine*, 10, 760- 783.
- Kaukinen, C. (2004). Status compatibility, physical violence, and emotional abuse in intimate relationships. *Journal of Marriage and Family*, 66, 452-471.
- Kirkpatrick, L. A. (1997). A longitudinal study of changes in religious belief and behavior as a function of individual differences in adult attachment style. *Journal for the Scientific Study of Religion* 36(2), 2207-221 7.
- Kirkpatrick, L. A. (1998). God as a substitute attachment figure: A longitudinal study of adult attachment style and religious change in college students. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 24, 961-973.
- Kirkpatrick, L. A. (1999). *Handbook of attachment: Theory, research and clinical application*. New York: Guilford Press.
- Kirkpatrick, L. A., & Shaver, P. R. (1992). An attachment theoretical approach to romantic love and religious belief. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 266-275.

- Kirkpatrick, L. A., & Hazan, C. (1994). Attachment styles and close relationships: A four- year perspective study. *Personal relationships*, 1, 142-193.
- Kirkpatrick, L.A., & Shaver, P. R. (1990). Attachment theory and religion childhood attachment religious beliefs, and conversion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 315-334.
- Kusner, K. G., Mahoney, A., Pargament, K. I., & DeMaris, A. (2014). Sanctification of marriage and spiritual intimacy predicting observed. *Journal of Family Psychology*, 28(5), 604–614.
- Kusner, G. K. (2010). Couples dyadic spirituality and marital communication and love: The utility of moving from general to in-depth indicators of shared spirituality between spouses. A thesis submitted to the graduate college of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirement for the degree of Master of Arts.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*, 55, 439– 449.
- Lichter, D. L., & Carmalt, J. H. (2009). Religion and marital quality among low income couples. *Social Science Research*, 38, 168–187.
- Lindsey, C. R., Elliot, T. R., & Huei, S. A. (2007). Church attachment and marital commitment beliefs of undergraduate women. *Journal of Journal of Applied Social Psychology*, 37, 501- 514.
- Mahoney, A., & Cano, A. (2014). Introduction to the special section on religion and spirituality in family life: Delving into relational spirituality for couples. *Journal of Family Psychology*, 28, (5), 583–586.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., & DeMaris, A. (2009) Couples viewing marriage and pregnancy through the lens of the sacred: A descriptive study. In R. L. Piedmont & A. Village (Eds.), *research in the social scientific study of religion*, Leiden: The Netherlands.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13, 321-338.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Murray-Swank, A., & Murray-Swank, N. (2003). Religion and the sanctification of family relationships. *Review of Religious Research*, 44, 220 – 236.

- Mahoney, A., Pargament, K. I., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2010). Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of Family Psychology*, 15, 559-596.
- Marchand, J. F. (2004). Husbands' and wives' marital quality: The role of adult attachment orientations, depressive symptoms, and conflict resolution behaviors. *Journal of Attachment & Human Development*, 1, 99 - 112.
- Miller, P. J. E., Caughlin, J. P., & Huston, T. I. (2003). Trait expressiveness and marital satisfaction: the role of idealization processes. *Journal of Marriage and Family*, 65, 978-995.
- Minnottea, Krista L., Pedersena, D., & Mannon, S. E. (2010). The emotional terrain of parenting and marriage: Emotion work and marital satisfaction. *The Social Science Journal*, 4, 747-761.
- Norton, R. (1983). Measuring marital quality—a critical look at the dependent variable. *Journal of Marriage and the Family*, 45, 141–151.
- Okozi, I. F. (2010). Attachment to God: It's impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation. Dissertation, doctor of philosophy. Seton Hall University.
- Padgett, A. E. (2010). Link of spiritual with observed emotional intimacy and perceived marital quality among couples during their first pregnancy. A thesis submitted to the graduate college of Bowling Green State University in partial fulfillment of the requirement for the degree of Master of Art.
- Papp, L. M., Cummings, E. M., & Schermerhorn, A. C. (2004). Pathways among marital distress, parental symptomatology and child adjustment. *Journal of Marriage and Family*, 66, 368-384.
- Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2005). Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion. *International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 179 – 198.
- Perry, B. D., & Szalavitz, M. (2006). *The boy who raised as a dog: Other stories from a child psychiatrist's notebook: what traumatized children can teach us about loss, love and healing?* New York: Basic Book.
- Rochlen, A. B., McKelley, Ryan A., Suizzo, Marie-Anne., & Scaringi, V. (2008). Predictors of relationship satisfaction, psychological well-being, and life satisfaction among stay-at-home fathers. *Psychology of Men & Masculinity*, 9(1), 17–28.

- Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A. (2002). Two dimensions of attachment to God and their relation to affects, religiosity and personality constructs. *Journal for Scientific Study of Religion*, 41, (4), 637-651.
- Rusbult, E. C., & Van Lange, P. A. M. (2003). Interdependence, interaction, and relationships, *Journal of Annual Review of Psychology*, 54, 351 - 75.
- Shakeri, A., Heshmati, R., & Poorrahimi, M. (2010). Investigation of marital adjustment in people with secure, preoccupied, dismissing and fearful attachment styles. *Social and Behavioral Sciences*, 5, 1823-1826.
- Stafford, L., David, P., & McPherson, S. (2014). Sanctity of marriage and marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 31(1), 54-70
- Sumer, N., & Cozzarelli, C. (2004). The impact of adult attachment on partner and self-attributions and relationship quality. *Journal of Personal Relationships*, 11, 355-371.
- Twenge, J. M., Campbell, W.K., & Foster, C.A. (2003). Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of Marriage and Family*, 65, 574-583.
- Weiss, R. S. (1982). Attachment in adult life. In C. M. Parkes., & J. Stevenson Hinde, the place of attachment in human behavior, (pp.171-184), New York. Basic Books.